

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

اکنون ارمغان

شماره - ششم

دوره - سی و دوم

شهریورماه ۱۳۴۲

شماره ۶

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی)

بقلم : آقای دکتر حسن سادات ناصری

مهرگان

اهمیت جشنهای ملی

ایران کهنسال روزگاری دراز در جهان از لحاظ قدرت و مدنیت ضرب المثل جهانیان بوده و این قولی است که کلیه مورخان قدیم و جدید آنرا مورد تأیید قرار داده‌اند . ملت ایران تا قبل از حمله عرب دارای آداب و رسوم مخصوص بخود از آنجمله جشنها و مجالس سروری بوده که در بین ملل مختلفه شهرت بسزائی داشته و یکی از معروفترین این جشنها جشن مهرگان بشمار میرفته که اغلب نویسندگان از آن سخن گفته و اکثر در ارمغان بطبع رسیده است . اینک دانشمند ارجمند آقای دکتر سادات ناصری بنا برخواست انجمن ادبی حکیم نظامی با تحقیقات و تنبّهات عمیقانه خود مقاله جامع زیر را نگاشته‌اند که از نظر خوانندگان و دانش پژوهان دور و نزدیک میگذرد .

۱- پیش گفتار :

زندگانی آدمی با شادمانی و اندوه در آمیخته است ، و شادی آن کیفیت نفسانی است که بهنگام چیرگی خود بر ملک وجود ، صفحه ضمیر را از هر گونه

غبار و آرایش پاک میسازد و صفا و محبت را در نهاد بشر مستقر میدارد، و این خود یگانه عامل مؤثر سلامت جسم و روح انسان و بوجود آورنده نیروی کار و کوشش بمنظور نیل بآمال و آرزوهاست.

اقبال بشادی و نشاط نشانه آزادی روح از گیر و دار هر گونه قید و بند است. ملتی که مرارتها و سختیها را باخوشدلی و خرمی استقبال میکند، سرا پای زندگی پیروزی و کامیابی است؛ و علت کامروایی و رفاه مردم آزاده ایران در دوره های باستانی دل و جان سرشار از نشاط و روحیه آماده بکار و کوشش آنان بوده است که دردها و آلام زندگی را با برپا داشتن و شرکت جستن در جشنهای متعدد ملی و مذهبی بدست فراموشی سپرده پیروز مندانه در حل مشکلات و بر انداختن موانع میکوشیدند و پیشرفتهای درخشان فردی و اجتماعی نائل میآمدند.

از جمله جشنهای مذهبی باستانی گاهنبارها یا اعیاد ششگانه مزدیسنی است که بفاصله های مختلف در عرض سال برپا میگردد و از جشنهای ملی و مذهبی نوروز باستانی و فروردگان یا جشن جاوید و جشن آذر وسده و بهمنجنه یا بهمنگان و چهارشنبه سوری و جشن مهرگان، و جشنهای دیگری را میتوان نام برد که ایرانیان قدیم هر ماهه بمناسبت برابر شدن نام روز با نام ماه آن روز را جشن میگرفتند؛ و خود جشن مهرگان، علاوه بر خصایص عالی معنوی و مناسبات تاریخی از جمله جشنهای نوع اخیر است که در ماه مهر (ماه هفتم سال) و روز مهر (شانزدهم ماه) باشکوه و جلال خاصی بر گزار میشده است.

جای بسی امید و خوشوقتی است که از آغاز سلطنت بامیمنت سلسله و الانتبار پهلوی باحیای سنن ملی و حفظ آثار باستانی توجه و عنایت خاصی مبذول میگردد و در این عصر درخشان است که برای اعتلای مقام معنوی معلم این جشن باستانی را بنام «روز معلم» جشن میگیرند تا معلم از ایزد مهر که خدای فروغ و محبت

و طرفدار نیرومند راستی و منش پاک و دشمن توانای دروغ و دورویی است الهام بگیرد، و با پشتکار و ایمان بحقیقت، مهر و محبت را سر لوحه عمل و شعار کار خود سازد و آنچنان کند که پیشینیان مؤمن بشعائر ملی ما کردند و گفتند:

مهربانی کن بجشن مهرگان و روز مهر

مهربانی به بروز مهر و جشن مهرگان

کاین جهان را ناگهان از خرمی امروز کرد

بوستان نوشکفته ، عدل سلطان جهان

۲- اشتقاق ومعنی واژه مهر :

مهر در اوستا و فارسی باستان « میثرا » *Mithra* و در سانسکریت « میترا » *Mitra* آمده و در پهلوی « میتر » (۶ ص ۱۱) *Mithr* و *Mitr* شده است و در پارسی دری « مهر » گویم و جمله از ریشه « میث » *Mith* سانسکریت بمعنی پیوستن اشتقاق یافته و نزد ایرانیان و هندوان بمعنی: فروغ و روشنایی و دوستی و عهد و پیمان و یکی از ایزدان بزرگ مینوی و پروردگار روشنایی و فروغ است . و ماه هفتم سال و روز شانزدهم هر ماه ایرانی را نیز مهر گویند .

اما اینکه ادبا و شاعران و فرهنگ نویسان بعد از اسلام ایران مهر را با خورشید یکی دانسته اند ، از اشتباهات دیرین است ، چنانکه استرابون جغرافیدان مشهور یونانی (۱۹ م - ۶۳ ق. م) نیز میان مهر و خورشید امتیازی قائل نشده نویسد : « ایرانیان خورشید را که « میتراس » (*Mithras*) نامند ، همچنین ماه و آناهیتا (*Aphrodite*) و آتش و زمین و باد و آب را هیستایند » . ولی مندرجات کتاب مینوی اوستا خلاف این قول را روشن میسازد . مثلاً در بند دوم از کرده چهارم مهریشت آمده است : « مهر را می ستاییم . . . نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیزاسب در بالای کوه « هرا » *Hara* بر آید ، نخستین کسی که با زینت های زرین آراسته و از فراز کوه زیبا سر بدر آورد . از آنجا آن مهر

بسیار توانا همه منزل گاههای آریایی را بنگرد .

همچنین در بند اول از کرده بیست و چهارم مهر یشت آمده : « مهر را می ستاییم . . . کسی که پس از فرورفتن خورشید دو کرانه این زمین فراخ را ببیماید و آنچه در میان زمین و آسمانست بنگرد » .

مسعود سعد سلمان گوینده استاد سده پنجم و بهتر آغاز سده ششم هجری (۴۳۸-۵۱۵) همه این معانی را در بیتهی جمع کرده چنین گوید :

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان

مهر بفرزا ای نگار مهر چهر مهربان

۳- آیین مهرپرستی :

پیش از برانگیخته شدن شت زرتشت و رواج یکتاپرستی مزدیسنی در ایران زمین ، مهریکی از بزرگترین پروردگاران آریهها ، یعنی ایرانیان و هندوان بود و در کهن ترین آثار کتبی اقوام آریایی نام و آوازه او بلند و ارجمند است و چنانکه بعضی محققان نوشته اند . « از روزی که نام مردم آریایی نژاد در تاریخ جهان یاد گردیده ، با نام خداوند نگهبان آنان میترا (Mitra) یاد شده است » .

در تابستان سال ۱۹۰۶ م . بدستیاری « وینکلر » H . Winckler آلمانی در دیه « بوغاز کوی » Boghaz - Köi واقع در ایالت آنکارا پایتخت کشور ترکیه نبشته ای از سده چهاردهم پیش از میلاد بدست آمد که در آن بخط میخی و زبان « هتیت » Hettit نام « میترا » Mitra با سه پروردگار دیگر آریایی خوانده میشود . این نوشته پیمان نامه ایست میان پادشاه « هتیت » و پادشاه « میتانی » Mitanni که هر دو از اقوام هند و اروپایی و از خویشاوندان ایرانیان و هندوان بودند . خدایان دیگر این لوحه بنام « ورونه » Varuna و « ایندره » Indra و « ناستیه » Nastyia از پروردگاران هندوان هستند که در کتاب مقدس ودا سرود هایی در ستایش آنان بجای مانده است . و بیشك در روزگاران پیشتر این

خدایان نیز در نزد ایرانیان ستوده بودند. اما چون پایه دین زرتشتی بر یکتاپرستی نهاده شده است، پس از ظهور شت زرتشت گروهی از خدایان قدیم گمراه کننده شناخته شدند، ولی مهر که ستایش او نزد ایرانیان اصلی قوی داشت، در اوستا، نامه دینی ایرانیان، به نیکی و ارجمندی پذیرفته آمد و مردم ایران از روزگاران بسیار قدیم تا امروز هرگز فروغ ایزدی مهر را از یاد نبرده اند.

در کتاب فرخنده اوستا، دوایزد نامور، از همه ایزدان بزرگتر دانسته شده است، یکی «سروش» و دیگری «مهر» و در پیش بهدینان پایگاه این هر دو بلافاصله پس از مهین فرشتگان یا امشاسپندان قرار دارد. - در اوستا «مهریشت» و «مهر نیایش» بنام «مهر» و در ستایش اوست. در آغاز مهریشت این ایزد از آفریدگان اهورمزدا، ولی در مقام پرستش و نیایش همپایه او شمرده شده است:

«اهورامزدا با سپنتمان زرتشت گفت: ای اسپنتمان، هنگامی که من مهر دارنده دشتهای فراخ را بیافریدم، او را در شایستگی و سزاواری ستایش و نیایش برابر با خود که اهورا مزدا هستم بیافریدم.»

«مهریشت»، دهمین یشت اوستا، خود چکامه ای بلند در ۱۴۶ بند و مانند بیشتر یشتهای بلند منظوم است و اکثر بیتهای آن هشت هجایی است که در میان آنها اشعار ده دوازده هجایی هم بجای مانده است. این چکامه بسیار گرانها یادگار گویای راستی و پهلوانی نیاکان پارسا و ستوده مردودلیر ماست. و میرساند که ایرانیان در روزگارانی که هنوز گیتی از نور معارف جهان افروز بشری پر توی نیافته بود، از روشنی راستی و درستی برخوردار و بمهر و پیمان پای بند بودند.

در این چکامه دل انگیز ایزد مهر بدینگونه توصیف شده است:

پاسبان عهد و میثاق است و همانند دلیران و جنگاوران ایران زره پوشیده بر گردونه ای پراز سلاحهای جنگی که چهار اسب سفید نیرومند آن را می کشند و

راننده آن فرشته «ارد» میباشد سوار آمده است. چست وچالاک از خاور بباختر
 همی تازد. جنگاوران ایران درپهنه پیکرازوپروزی میخواهند او ازدلیران راست
 کردار و آزاد مرد پشتیبانی میکند. پایگاه او برزبر کوه «هرابرزئیتی» (البرز)
 است واز آنجا خان ومان ایرانیان را درمی نگرد و برای آنکه از عهده پاسبانی و
 نگهبانی اقوام آریایی برآید، اهورامزدا باو هزار گوش وده هزار چشم بخشیده
 وده هزار دیدبان بخدمت وی برگماشته است. این ایزدبزرگ همیشه بیدار است. —
 و شاید از این جهت بود که بخشی از لشگریان دلاور ایران در روزگار هخامنشیان
 چشم و گوش کشور نامیده میشدند.

این ایزد مینوی را بنام «سردار محبت» و همه داننده زادگری نیز یاد
 کرده اند.

فراوان کردن آبها و بارانیدن باران از آسمان و رویانیدن گیاه از زمین از
 کارهای اوست و از خرد چندان بهره مند است که کس در جهان همپایه او نیست و گوش
 او در شنوایی نظیر ندارد.

در کتب متأخران نیز وظیفه حساب و رهنمایی روز بازپسین در دست اوست. در
 ودای مقدس، که کهن ترین کتب مذهبی جهانست، همچنین مانند اوستا، مهرمقامی
 بس ارجمند دارد و وظایف او در این نامه مذهبی نیز تا حدی شبیه بوظایفی است
 که در اوستای مینوی بوی نسبت داده شده و یکی از هفت پروردگاران برهمایی
 است و «میترا» Mitra در «وید» برهمنان مانند «میشرا» ی اوستایی پاسبان
 راستی و پیمان و دشمن دروغ و خطاست.

در کهن ترین بخش نامه مذهبی بزرگ و باستانی هندوان بنام «ریگ ودا»
 Rigveda که قدمت برخی از سرودهای آن بیش از هزار و پانصد سال پیش از میلاد

مسیح است ، سرودی در نه بند در توصیف وستایش « میترا » Mitra بنظم آمده است و ذیلاً گزارش فارسی آن را بنقل آوردیم تا پیدا شود که نیاکان ستوده ما ایرانیان و هندوان ، پیش از آنکه از هم جدا شوند چگونه وی را می ستودند :

۱ - کسی که « میترا » (= دوست) خوانده شده ، مردمان را بهم پیوندد ، میتراست نگهدارزمین و آسمان ؛ میتراست که همواره با دیدگان بازپاسبان مردمان است . به میترا فدیة شایسته سزد .

۲ - ای میترا ، ای فرزند «ادی تی» Aditi آدمی بیش از هر چیز نیکبخت است که ترا آنچنانکه در آیین تست بستاید ، کسی که در پناه تست ، نیستی و تنگدستی و ستم چه ازدور و چه از نزدیک بدو گزند نرساند .

۳ - بشود از زانوهای نیرومند بر خوردار و در روی زمین از ناخوشی بر کنار مانیم و از توش و توان تازه بهره ور باشیم و آیین فرزند «ادی تی» را آنچنانکه باید پیروی کنیم ؛ تا از بخشایش «میترا» همواره بهره مند گردیم .

۴ - این «میترا» بستایش بر ازنده و دوست داشتنی است ، پادشاه و سرور فرمان گزار زاییده شده است ، خواستاریم همواره بستایش بر ازنده وی کامیاب شویم و از بخشایش بخت نیک بر خوردار گردیم .

۵ - فرزند بزرگ «ادی تی» باید نماز برن ، اوست که مردم را بهم پیوندد و سرود گران خود را بنوازد ، اینک برای میترا ی بسیار ارجمند فدیة شایسته بآتش ریزید .

۶ - یاور ی خداوند گار « میترا » سود بخش است ، آنکه مردم را بهم مدیگر پیوندد ، فرو فروغش بآواز بلند ستودنی است .

۷ - خداوند گار « میترا » ی بسیار نامور ، در بزرگی برتر از آسمان و در شکوه نیز برتر از زمین است .

۸- از «میترا» پنج نژاد از مردمان فرمانبرند و در توانایی زبردست تر از آنان است ، اوست رهبر همهٔ پروردگاران .

۹- مهر را همهٔ خدایان دوست دارند ، کسی که گردونهٔ مهر را بیاراید ، بدو فزون و فراوان توانایی بخشیده شود .

گذشته از این سرود که «میترا» در آن بتنهایی ستوده شده است ، در بسیاری از سرودهای «ریگ ودا» «میترا» با خداوند گار بزرگ آریایان قدیم و هندوان ، «ورونه» Varuna همراه آمده است . و با آنکه میترا همواره پیش از «ورونه» یاد شده اما مقام «ورونه» بسیار برتر و والاتر است . بطوریکه از «ریگ ودا» برمیآید :

خورشید چشم «میترا» و «ورونه» است ، «میترا» و «ورونه» هر دو زیبا و آراسته اند و پرتو خورشید سوارند ، «میترا» و «ورونه» همانند پروردگاران دیگر بگردونهٔ مینوی نشسته در آسمانها همی گردند ، سپهر برین جایگاه زرین آنانست . جایگاهی بس بلند که با هزار ستون و هزار دروازه آراسته است ، از همین جایگاه است که خورشید همه را نگرانست و «ورونه» را از کردار مردم آگاه سازد . «میترا» پادشاه جهان است ، «میترا» خورشید را به پیمودن آسمان می گمارد و باران میباراند و سپیده دم فرو میفرستد ، روز از «میترا» آمده و شب از «ورونه» .

از سرودهای «ودا» رویهم رفته دانسته میشود که «میترا» خداوند گار بزرگی است و از پروردگاران دیرین آریایی است اما نزد ایرانیان ستوده تر بوده . چیزی که مکرر و «ودا» Veda یاد شده ولی در «اوستا» سخنی از آن بمیان نیامده این است که : «میترا» و «ورونه» و چند پروردگار دیگر ، از فرزندان «ادی تی» Aditi یا «ادی تیه» Aditya خوانده شده اند .